فرایند جهانی شدن و آسیب‌پذیری اقتصاد ملی

یوسف محنت فر×

هدف "سازمان تجارت جهانی"[1] ارتقای سطح زندگی برای کشورهای عضو، فراهم کردن امکانات اشتغال کامل، افزایش درآمدهای واقعی و ارتقای سطح تقاضا، بهره برداری مؤثر از منابع جهانی و گسترش تولید و تجارت بین‌المللی است. تحقق این اهداف در چارچوب مقررات سازمان از طریق فراهم‌کردن شرایطی برای کاهش اساسی تعرفه‌های گمرکی و سایر موانع تجاری و نیز برطرف کردن تبعیضات تجاری امکان‌پذیر است. در راستای این اهداف پنج وظیفه یا نقش اصلی سازمان تجارت جهانی عبارت است از: تسهیل اجرا، مدیریت و عملکرد موافقت‌نامه‌های چند جانبه گات، مجمعی برای ادامه مذاکرات تجاری اعضا ، نظارت بر سیاستهای تجاری ملی و همکاری با دیگر سازمانهای بین‌المللی برای هماهنگی بیشتر در سیاستگذاری امور تجاری.

در برنامه سوم تأمین مبلغ ۳۴/۸ میلیارد دلار از محل صادرات غیرنفتی پیش‌بینی شده بود که به‌نظر می‌رسد صادرات غیرنفتی در برنامه چهارم به‌عنوان اساسی‌ترین محور توسعه، سرلوحه تمامی فعالیتهای اقتصادی قرار گیرد و در این راستا دولت، علاوه بر تسهیلات ویژه و رفع موانع مختلف اداری و گمرکی برای صادرکنندگان کشور، وزارت بازرگانی را که متولی اصلی و طبیعی بخش تجارت است مأمور تدوین طرح توسعه پایدار صادرات غیرنفتی کرده است تا بتواند با برنامه‌ریزی دقیق در راستای نیل به اهداف برنامه اقتصادی گام بردارد و براساس چشم انداز ۲۰ ساله، سیاست خود را به منصه ظهور برساند.

واژه‌های کلیدی: سازمان تجارت جهانی، صادرات غیرنفتی، توسعه پایدار، تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری.

۱. مقدمه

در آستانه ورود به هزاره سوم میلادی جهان شمولی و آزادسازی تجاری، به دو نیروی بزرگ برای ایجاد تغییر و تحرک در روند اقتصاد جهانی تبدیل شده است که هر یک فرصتها و چالشهای بزرگی را فراروی کشورهای در حال توسعه برای ادغام در این روند قرار داده است.

× دکتری اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران

1. World Trade Organization (WTO)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

امروزه تشکیل اتحادیه‌های گمرکی، ایجاد مناطق آزاد تجاری، بازارهای مشترک و ترتیبات تعرفه‌های ترجیحی به عنوان ابزارهای مکمل و مؤثر برای نیل به همگرایی اقتصاد جهانی شناخته شده است. تجارت جهانی با بهره‌گیری از ابزارهای یاد شده هر چه بیشتر به سوی آزادسازی و حذف موانع گمرکی و اداری پیش می رود، اما از سوی دیگر با پیچیدگیهای فنی بازاریابی و ظهور شبکه‌های به هم پیوسته سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت روبرو بوده که با احاطه هر چه بیشتر بر دانش فنی، منابع مالی و سیاست تجاری، عرصه رقابت جهانی را تنگ تر کرده است. در واقع شبکه بازارهای جهانی به آنچنان درجه‌ای از پیچیدگی و رقابت رسیده است که ورود مصنوعات و تولیدات کشورهای در حال توسعه را با مشکلات بسیار مواجه می‌کند. در چنین شرایطی طبیعی است که آن دسته از کشورهای در حال توسعه که خارج از قواعد و چارچوبهای بین‌المللی موجود عمل کنند، کمترین تأثیر و نقش را در بازارهای بین‌المللی خواهند داشت.

جهانی شدن اصل کاملةالوداد و فراگیری قاعده رفتار ملی[1] همراه با شکل‌گیری اصول بازرگانی بین‌المللی در زمینه قواعد مبدأ، تجارت منسوجات، اقلام کشاورزی، خدمات، سرمایه‌گذاری و نظایر آن، شرایطی را به وجود آورده که بازارها هر روز گشوده‌تر و بازتر می‌شوند. به این ترتیب هیچ کشوری نمی‌تواند اقتصاد ملی خود را از درآمدهای صادرات و مزایای مشارکت در بازرگانی بین‌المللی بی‌نیاز بداند. به همین دلیل امروزه تجارت بین‌المللی سهم قابل‌توجهی از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده است و تجارت آزادانه و بدون مانع کالا بین کشورها تفکر غالب بر اقتصاد بین‌الملل است که در تشکیل سازمان تجارت جهانی تبلور یافته است.

سازمان تجارت جهانی محصول نهایی موافقت‌نامه عمومی تعرفه تجارت است که در سال ۱۹۴۷ بین ۲۳ کشور صنعتی امضاء شد و پس از ۵۰ سال و طی هشت دوره مذاکره در نهایت با پایان مذاکرات دور اروگوئه در اواخر سال ۱۹۹۴ در مراکش به نتیجه رسید. سازمان تجارت جهانی به‌عنوان مجری موافقت‌نامه گات و ضمائم آن از اول ژانویه ۱۹۹۵ کار خود را در ژنو آغاز کرد. در حال حاضر بیش از ۱۳۴ کشور عضو این سازمان تجاری هستند که در مجموع بیش از ۹ درصد مبادلات تجارت جهانی را در اختیار دارند. از این تعداد ۱۰۰ کشور، در حال توسعه محسوب می‌شوند. انعقاد موفقیت‌آمیز موافقت‌نامه‌های گات، تشکیل سازمان تجارت جهانی و اجرای نتایج مذاکرات دور اروگوئه، آغاز عصر جدیدی در روابط تجاری و اقتصاد بین‌الملل است.

---

۱. قاعده رفتار ملی در نظام تجارت جهانی به این معناست که کشورها همان رفتاری را که از نظر تسهیلات و اعطای امتیازات با صنایع و تولیدات داخلی دارند، با طرحهای تجاری خارجی خود نیز داشته باشند. (اصل سوم گات)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

۲. اهداف سازمان تجارت جهانی

هدف سازمان تجارت جهانی ارتقای سطح زندگی برای کشورهای عضو، فراهم کردن امکانات اشتغال کامل، افزایش درآمدهای واقعی و ارتقای سطح تقاضا، بهره برداری مؤثرتر از منابع جهانی و گسترش تولید و تجارت بین‌المللی است. تحقق این اهداف در چارچوب مقررات سازمان از طریق فراهم‌کردن ترتیباتی برای کاهش اساسی تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری و نیز برطرف کردن تبعیضات تجاری امکانپذیر است.

در راستای این اهداف پنج وظیفه یا نقش اصلی و اساسی سازمان تجارت جهانی عبارت است از: تسهیل در اجرا، مدیریت و عملکرد موافقت‌نامه‌های چند جانبه گات، مجمعی برای ادامه مذاکرات تجاری بین کشورها، رفع اختلافات تجاری اعضاء، نظارت بر سیاستهای تجاری ملی و همکاری با دیگر سازمانهای بین‌المللی برای هماهنگی بیشتر در سیاستگذاری امور تجاری.

در عمل، چارچوب گات بر چهار قاعده اصلی استوار است که عبارت‌اند از:

- حمایت از صنعت داخلی در برابر رقابت خارجی از طریق وضع تعرفه‌ها در حد قابل قبول و ممنوعیت استفاده از محدودیتهای کمی (غیر تعرفه‌ای)،
- کاهش و تثبیت تعرفه‌ها از طریق مذاکره مستمر و نبود امکان افزایش دوباره این تعرفه‌ها پس از تثبیت در برنامه ملی هر کشور،
- رفتار غیر تبعیض‌آمیز در روابط تجاری با تعمیم اصل کامله الوداد،
- قاعده رفتار ملی که بر اساس آن کشورها از تبعیض میان کالاهای داخلی و محصولات وارداتی و وضع مالیاتها منع شده‌اند.

نظام چندجانبه گات علاوه بر قواعد چهارگانه اصلی، از قواعد قابل اعمال حاکم بر کالاهای وارداتی به قلمرو گمرکی کشور (مثل اعمال مقررات بهداشتی و نظیر آن) و قواعدی در مورد پرداخت یارانه‌ها، اقدامهای حفاظتی، وضع عوارض ضد دامپینگ و جبرانی نیز بهره‌مند است. سازمان تجارت جهانی به رویه گات در زمینه برگزاری مذاکرات ادواری پایان داده و به صورت مجمعی برای مذاکرات مستمر تبدیل شده است. شوراهای مختلف سازمان وظیفه انجام دادن این مذاکرات را به عهده دارند و کنفرانس وزرا هر دو سال یک بار تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کند. سند نهایی گات خود دربرگیرنده یک دستور کار و برنامه زمان‌بندی برای تداوم مذاکرات به ویژه در موارد زیر است:

- تکمیل فعالیتهای تمام نشده دور اروگوئه (به عنوان مثال در بخش خدمات)،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

- بررسی منظم و اصلاح بخش یا تمامی مقررات تعدادی از موافقت‌نامه‌ها به درخواست کشورهای عضو در بخش کشاورزی و تشویق آزادسازی بیشتر تجارت (در بخش خدمات)،
- گسترش دستور کار مذاکرات تجاری به زمینه‌های جدید در روابط تجاری میان کشورها (مثل محیط زیست و تجارت ، سرمایه‌گذاری و تجارت ، تجارت مواد الکترونیک ، استثنائات اصل ۲۴ نیروی کار کودکان و نظایر آن) بحث‌های مهم دستور کار اجلاس وزرا در سیاتل (نوامبر/ دسامبر۱۹۹۹) نیز بیشتر در مورد تداوم مذاکرات برای توسعه رژیم تجارت جهانی و تکمیل موارد معوقه در موافقت‌نامه‌ها بود. یکی از موضوعات دیگر دستور کار وزرا مسئله پیوستن به سازمان تجارت جهانی و ارائه راه حلهایی برای رفع مشکلات الحاق بود.

بعضی از کشورهای در حال توسعه در مذاکرات جاری این بحث را مطرح می‌کنند که لازم است ابتدا روی نحوه اجرای موافقت‌نامه کنونی مذاکره شود. همچنین تا زمانی که نتایج ملموس از ترتیبات در حال اجرای فعلی برای کشورهای در حال توسعه به دست نیامده، مذاکره در مورد موضوعات جدید بی‌نتیجه خواهد بود. این کشورها در دور مذاکرات (اجلاس وزرای ۱۹۹۹) نگرانیها و مسائل خاص خود را مورد توجه قرار می‌دهند که از آن جمله می‌توان به ضرورت حذف نقاط اوج تعرفه‌ها برای این کشورها، افزایش تدریجی تعرفه‌ها و تسهیل شرایط دسترسی به بازار برای محصولات نساجی و چرم، نحوه اجرای موافقت‌نامه‌های مربوط به اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی و موانع فنی تجارت اشاره کرد. از سوی دیگر در آن دوره برخلاف دوره‌های گذشته موافقت شد که مذاکرات جدید تجاری در یک مهلت زمانی حداکثر سه سال به نتیجه برسد. شرایط و روند الحاق به سازمان تجارت جهانی با توجه به تأثیر فزاینده موافقت‌نامه‌های گات بر روند تجارت جهانی و نقشی که این سازمان برای اجرای موافقت‌نامه‌ها به عهده گرفته به گونه‌ای است که پیوستن به این سازمان برای هر کشوری که می‌خواهد از تجارت جهانی سهمی هر چند ناچیز داشته باشد امری اجتناب ناپذیر است.

۳. مشکلات و موانع الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO)

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵ به طور رسمی درخواست عضویت در سازمان تجارت جهانی را به دبیرخانه این سازمان داد و جزو کشورهایی است که در فهرست انتظار برای الحاق قراردارد، اما به طور قطع از شرایط برابر با سایر اعضا این فهرست برخوردار نیست زیرا در حالی که الحاق سایر کشورها مراحل عادی خود را طی می‌کند، درخواست کشور ما به دلیل مخالفت سیاسی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

یکی از اعضای صاحب نفوذ این سازمان که تحت فشار صهیونیستها و به دلایل واهی صورت می‌گیرد، هنوز حتی در دستور کار شورای عمومی نیز قرار نگرفته است.

بنابراین در حالی که ادعا می‌شود سازمان تجارت جهانی حرکت شتاب‌آلودی را به سمت جهان شمولی و تحت پوشش قرار دادن تمامی مبادلات تجاری جهان در پیش گرفته است، برخورد سیاسی با درخواست کشورهایی نظیر ایران این روند را خدشه‌دار می‌کند. این در حالی است که کشورهای بسیار ضعیف که هیچ سهمی در تجارت جهانی ندارند به راحتی جذب این سازمان شده‌اند یا در مراحل الحاق به آن قرار دارند.

اکنون این سؤال مطرح شده که چرا بیشتر اعضای سازمان تجارت جهانی با این گونه رفتارهای تبعیض‌آمیز و دوگانه مخالفت نکرده‌اند و در حالی که طبق ماده ۱۲ موافقت‌نامه مراکش، رأی $\frac{2}{3}$ اعضا برای تصویب الحاق کشور جدید کفایت می‌کند، اصرار به حفظ اجماع دارند.

واقعیت این است که به رغم تصریح موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی، چنانچه از نظر سیاسی با الحاق کشوری از سوی اعضای قدرتمند آن مخالفت وجود داشته باشد، با تهدید به شکستن اجماع از همان ابتدا مانع از قرار گرفتن موضوع در دستور کار شورای عمومی می‌شود. این همان شرایطی است که در برابر درخواست عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی ایجاد شده است.

در مورد اهمیت اصل اجماع باید توجه داشت که این اصل را سازمان تجارت جهانی از گات به ارث برده و طبق توصیه بند ۹ موافقت‌نامه مراکش تاکنون نیز تمام تصمیمات خود را براساس اجماع گرفته است. در اصل هیچ یک از اعضا تمایل ندارند که حرکت اجماع به خاطر پذیرش و الحاق یک عضو جدید شکسته شود. این در حالی است که توافق‌های مهم‌تر با اجماع حاصل شده است.

با این حال به علت عضویت بیش از ۱۳۴ کشور در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی و حقوق برابر همه کشورها در این سازمان، ترکیب قدرت در آن یک قطبی نیست و باید در آغاز حیات این سازمان اعمال فشارهای سیاسی در آن از سوی بعضی از کشورها به صورت یک رویه درآید.

شاید به همین دلیل "سوپا چای"[1]، وزیر تجارت سابق تایلند و مدیرکل سازمان تجارت جهانی بر این باور است که دخالتهای سیاسی در سازمان تجارت جهانی باید به حداقل برسد و برای جلب

1. Soupa Chaai

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

اعتماد کشورهای در حال توسعه، سیاست‌زدایی از این سازمان ضروری است.[۱] علاوه بر مشکلات سیاسی یاد شده که امید است با تلاش مسئولان سیاسی کشور و جلب حمایت سایر کشورها از میان برداشته شود، کشور ما برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی با بعضی از موانع داخلی نیز مواجه است.

مشکل مهم ما در مورد پیوستن به سازمان تجارت جهانی بیش از آنکه تعرفه باشد، محدودیتهای کمی و غیرتعرفه‌ای (محل اخذ مجوزهای واردات و صادرات، قوانین و دستورالعمل‌های متعدد گمرکی، ممنوعیت‌ها، اعمال سلیقه‌های شخصی، صنفی و سازمانی و نظایر آن) است. این در حالی است که به دلیل اصل آشکارسازی فعالیتهای تجاری، اقدامات یاد شده پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی باید کاملاً متوقف شود و اگر اجرای آنها به صورت مخفیانه ادامه یابد سازمان تجارت جهانی از طریق مقررات مربوط به نظارت بر خط‌مشی تجاری آنها را کشف کرده و مشمول اعتراض و جریمه از سوی سایر اعضا خواهد شد. در پشت میز مذاکره توافق در مورد تعرفه‌ها (کاهش یا تبدیل) با توجه به پایین بودن نرخ فعلی اغلب تعرفه‌ها در کشور بسیار آسان‌تر از حذف موانع غیرتعرفه‌ای است و به همین دلیل دولت باید توجه ویژه‌ای را به حذف موانع و محدودیتهای غیرتعرفه‌ای تجارت در کشور معطوف کند.

در هر حال مشارکت در نظام چند جانبه اقتصادی بین‌المللی نیازمند یک نگرش جامع بر مسئله توسعه کلان و خرد، تعیین اولویتهای تولید، سیاستهای سرمایه‌گذاری و انتقال فن‌آوری، سیاستهای مالی و پولی و به ویژه ارزی کشور است.

اجرای توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی فقط از دید مبادلاتی میسر نیست. امروزه تجارت جهانی به معنای عملکرد کل نظام اقتصادی و عملکرد صنایع، نظام مالی و پولی، کشاورزی، خدمات و بی‌تردید مجموعه سیاستهای کلان اقتصادی است بنابراین باید در همه این بخشها تحولات اساسی صورت گیرد. خوشبختانه نشانه‌هایی از تغییر را در ساختارهای تجاری کشور می‌توان ملاحظه کرد.

بر اساس قانون برنامه پنج ساله سوم و با توجه به سیاست جهش صادرات طی برنامه سوم، دولت در نظر دارد ۳۴/۸ میلیارد دلار از درآمد صادرات غیر نفتی و حدود ۶/۷ میلیارد دلار از درآمد صادرات خدمات که حدود ۴۱ میلیارد دلار درآمد حاصل از صادرات کالاها و خدمات است کسب کند. این امر بیانگر متوسط سالیانه ۸/۲ میلیارد دلار درآمد ارزی است. در برنامه چهارم توسعه مطابق جداول کمی برنامه میزان صادرات غیر نفتی در ۱۳۸۴ رقم ۸۵۴۴ میلیون دلار و رشد

۱. روزنامه تهران تایمز، یکشنبه ۱۳۷۸/۷/۱۱.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

آن طی برنامه ۱۰۷ درصد است. کل صادرات غیر نفتی در پایان برنامه به حدود ۵۴ میلیارد دلار خواهد رسید.

در برنامه سوم ایجاد تحرک بیشتر تجاری کشور و استفاده از ترجیحات تجاری از طریق عضویت در سازمانهای تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان یک هدف مهم در نظر گرفته شده است.[۱] همچنین در برنامه سوم توسعه اقتصادی تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌های معدل و کاهش تدریجی آن، ایجاد زمینه‌های لازم برای استفاده از موقعیت راهبردی کشور در عرصه مبادلات جهانی، ایجاد ترانزیت کالا و گسترش و حضور فعال در بازارهای منطقه مورد توجه است.

موارد یاد شده به‌عنوان اهداف مهم دولت در راستای جهش صادراتی در برنامه سوم توسعه مورد توجه و در برنامه چهارم توسعه نیز مدنظر است، ولی تحقق این هدف با ساختارها و مقررات کنونی حاکم بر بازرگانی خارجی کشور، امری دور از انتظار خواهد بود زیرا با وجود این ساختار در برنامه سوم نیز نتوانستیم به رقم مورد نظر صادرات غیرنفتی که سالیانه حدود ۵/۴ میلیارد دلار بود، دست یابیم و به همین دلیل کارگزاران و سیاستگذاران اقتصادی در تصویب و تدوین لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی به منظور جهش صادراتی، در مورد حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه‌های مشخص و معقول و برداشتن موانع قانونی و اجرایی در بخش تجارت اقدام خواهند کرد.

نتایج جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که کالاهای غیر نفتی فقط ۱۸ تا ۲۰ درصد صادرات کالاهای کشور را تشکیل می‌دهند. در سال پایانی برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳) صادرات کالاهای غیرنفتی مشتمل بر صادرات گمرک، بازارچه‌های مرزی، چمدانی و نظایر آن در مقایسه با سال پیش از آن معادل ۱۴/۲ درصد رشد یافته است اما در حدود ۹ درصد از میزان پیش بینی شده در برنامه (معادل ۸ میلیارد و ۳۵۳ میلیون دلار) محقق نشده است. عملکرد صادرات کالاهای غیر نفتی طی برنامه سوم توسعه رشدی معادل ۱۴ درصد را نشان می‌دهد که در مقایسه با رشد ۲۰ درصدی برنامه کمتر است، ولی در مجموع طی برنامه سوم، حدود ۲۸/۲ میلیارد دلار کالاهای غیرنفتی صادر شد که در حدود ۲ درصد بیشتر از برنامه محقق شده است. بنابراین درآمد ارزی پیش‌بینی شده طی برنامه سوم از محل صادرات کالاهای غیر نفتی، به طور کامل تحقق یافته است.

یکی از شاخصهای مهم در حوزه صادرات، سهم صادرات کالاهای غیر نفتی در کل صادرات کالاست. بررسی این شاخص نشان می‌دهد که درسال ۱۳۸۳ صادرات کالاهای غیر نفتی ۱۷/۱ درصد از صادرات کالا را تشکیل داده است که این رقم در مقایسه با سال پیش از آن روندی رو به

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، *سند برنامه سوم توسعه اقتصادی*، مجلد اول، پیوست شماره ۲، شهریور ۱۳۷۸، صفحه ۳۷۸.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

کاهش داشته است. مهم‌ترین دلیل این کاهش، افزایش صادرات نفت بوده است. بررسی این شاخص نشان می‌دهد که در حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد صادرات کالای کشور را کالاهای غیرنفتی و بقیه آن را صادرات نفت تشکیل داده است. در صورتی که میزان صادرات نفت و گاز پیش‌بینی شده در برنامه معادل ۷۴ میلیارد دلار در نظرگرفته شود (در قوانین بودجه نیز همین رقم به درآمد ریالی تبدیل شده است)، این شاخص طی برنامه به بیش از ۲۷ درصد افزایش می‌یابد که ضمن مقایسه با رقم هدف ۲۷/۲ درصدی برنامه سوم، مطلوب ارزیابی شده و نشان‌دهنده این است که صادرات کالاهای غیرنفتی طی برنامه سوم توسعه تحقق یافته است. البته در شرایط احتساب پرداخت از محل حساب ذخیره ارزی به منظور برداشتهای بودجه‌ای و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز برای پرداخت مابه‌التفاوت دیون مشمول تغییر نرخ ارز، این شاخص، سهم ۲۴ درصدی صادرات کالاهای غیرنفتی در صادرات کالا را نشان می‌دهد که حدود ۳/۵ درصد از رقم هدف برنامه کمتر است.

جدول شماره ۱. وضع تجارت خارجی ایران طی برنامه سوم توسعه اقتصادی (میلیارد دلار)

شاخص	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	متوسط رشد سالیانه (درصد)		جمع دوره برنامه (میلیارد دلار)		درصد تحقق طی دوره برنامه
							برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	
صادرات کالا	۲۱۳۰	۲۷۴۶۱	۲۳۹۰۴	۲۸۲۳۷	۳۳۹۹۱	۴۴۴۰۳	۸/۲	۱۶/۱	۱۰۱۷۷۷	۱۵۸۹۹۶	۱۵۶۲
صادرات کالاهای غیرنفتی	۳۹۴۱	۴۱۸۱	۴۵۶۵	۵۲۷۱	۶۶۳۶	۷۵۷۶	۲۰	۱۴	۲۷۶۹۳	۲۸۲۲۹	۱۰۱۹
صادرات نفت و گاز	۱۷۰۸۹	۲۴۲۸۰	۱۹۳۳۹	۲۲۹۶۶	۲۷۳۵۵	۳۶۸۲۷	۴	۱۶/۶	۷۴۰۸۴	۱۳۰۷۶۷	۱۷۶۵
صادرات غیرنفتی	۵۳۳۷	۶۱۹۳	۸۰۵۳	۱۰۲۹۶	۱۲۸۸۵	۱۴۵۶۷	۱۷/۹	۲۲/۲	۳۷۱۹۳	۵۱۹۹۴	۱۳۹۸
صادرات خدمات	۱۳۹۶	۲۰۱۲	۳۴۸۸	۵۰۲۵	۶۲۴۹	۶۹۹۱	۱۱/۸	۳۸	۹۵	۲۳۷۶۵	۲۵۰۲
صادرات کالا و خدمات	۲۲۴۲۶	۳۰۴۳۷	۲۷۳۹۲	۳۳۲۶۲	۴۰۲۴۰	۵۱۳۹۴	۸/۵	۱۸	۱۱۱۲۷۷	۱۸۲۷۶۱	۱۶۴۲
واردات کالا و خدمات	۱۶۳۶۲	۱۸۵۸۳	۲۲۱۱۲	۳۰۵۶۴	۴۰۳۴۵	۴۸۴۴۲	۱۰	۲۴/۲	۱۲۲۷۵۳	۱۶۰۰۴۶	۱۳۰۴
واردات خدمات	۲۹۲۹	۳۴۹۷	۳۹۸۳	۸۵۲۸	۱۰۷۸۴	۱۱۸۰۳	۷/۳	۳۲/۱	۱۹۷۲۷	۳۸۵۹۵	۱۹۵۶
واردات کالا	۱۳۴۳۳	۱۵۰۸۶	۱۸۱۲۹	۲۲۰۳۶	۲۹۵۶۱	۳۶۶۳۹	۱۰/۶	۲۲/۲	۱۰۳۰۲۶	۱۲۱۴۵۱	۱۱۷۹
تراز بازرگانی	۷۵۹۷	۱۳۳۷۵	۵۷۷۵	۶۲۰۱	۴۴۳۰	۷۷۶۴	–	–	-۱۲۴۹	۳۷۵۴۵	–
تراز کالا و خدمات	۶۰۶۴	۱۱۸۹۰	۵۲۸۰	۲۶۹۸	-۱۰۵/۰	۲۹۵۲	–	–	-۱۱۴۷۶	۲۲۷۱۵	–
تراز حساب جاری	۶۵۸۹	۱۲۵۰۰	۵۹۸۵	۳۵۸۵	۸۱۶	۳۹۸۹	–	–	–	–	–
تراز حساب سرمایه	-۵۸۹۴	-۴۵۷۳	۱۱۵۰	۲۵۳۴	۴۴۷۶	۵۵۷۵	–	–	–	–	–
تغییر در ذخایر بین‌المللی	۱۸۴۵	۶۵۲۹	۴۷۶۰	۴۶۶۷	۳۷۱۰	۸۲۸۲	–	–	–	۲۷/۹۴۸	–

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

ادامه جدول شماره یک

سهم صادرات کالاهای غیرنفتی در صادرات کالا (درصد)	۱۸/۷	۱۴/۷	۱۹/۱	۱۸/۷	۱۹/۵	۱۷/۱	–	–	۲۷/۲	۱۷/۸	–
سهم صادرات کالاهای غیرنفتی در کل صادرات (درصد)	۲۳/۸	۲۰/۳	۲۹/۴	۳۱	۳۲	۲۸/۳	–	–	۳۳/۴	۲۸/۴	–
سهم خدمات در صادرات غیرنفتی (درصد)	۲۶/۲	۳۲/۵	۴۳/۳	۴۸/۸	۴۸/۵	۴۸	–	–	۲۵/۵	۴۵/۷	–
سهم خدمات در کل درآمدهای صادراتی (درصد)	۶/۲	۶/۶	۱۲/۷	۱۵/۱	۱۵/۵	۱۳/۶	–	–	۸/۵	۱۳	–

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴

۴. صادرات خدمات

یکی از ویژگیهای بارز صادرات غیرنفتی، افزایش قابل توجه صادرات خدمات است که به طور متوسط سالیانه ۳۸ درصد رشد داشته است. طی برنامه سوم توسعه در حدود ۲۴ میلیارد دلار درآمد ارزی کشور از محل خدمات تأمین شده است که در حدود ۲/۵ برابر میزان در نظرگرفته شده طی برنامه سوم است. تحقق یافتن صادرات خدمات موجب شد تا صادرات غیر نفتی کشور (کالاهای غیرنفتی و خدمات) در مجموع ۴۰ درصد بیشتر از برنامه شود. افزایش قیمت جهانی نفت طی برنامه سوم نیز با رشدی بیش از برنامه، موجب شد تا عواید ارزی کشور از محل صادرات نفت در حدود ۱۳۱ میلیارد دلار شود و حدود ۷۷ درصد بیشتر از برنامه رشد یابد، در حالی که در برنامه سوم توسعه ۱۰ درصد رشد برای آن در نظرگرفته شده بود. با این حال تراز کالا و خدمات کشور طی برنامه سوم از مازادی معادل ۲۲/۷ میلیارد دلار برخوردار بوده است. در مجموع طی دوره برنامه سوم به دلیل اتخاذ سیاستهای تشویق صادرات خدمات، به ویژه صادرات فنی – مهندسی و افزایش قیمت نفت، تراز بازرگانی کشور از شرایط مطلوبی برخوردار شد و موجب افزایش ورود سرمایه به کشور به دلیل وضع مطلوب درآمد ارزی و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی شد.

وضع مطلوب‌تراز کالا و خدمات کشور به همراه افزایش ورود سرمایه حاصل از اجرای طرحهای جدیدی بیع‌متقابل در سه سال پایانی برنامه توسعه سوم، موجب افزایش حدود ۲۸ میلیارد دلار به ذخایر ارزی کشور طی برنامه سوم توسعه شد، در حالی که طی این دوره، حدود ۵/۳ میلیارد دلار به بدهیهای قطعی کشور افزوده شده است. در عین حال وضع مطلوب درآمد ارزی کشور حاصل از افزایش قیمت نفت و در پی آن صادرات نفت باعث شده تا حساب ذخیره ارزی کشور به

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

رغم برداشتهای متعدد بودجه‌ای و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، از موجودی مناسبی در سال پایانی برنامه برخوردار شود. به طوری که موجودی نقد آن در حدود ۹/۴ میلیارد دلار و مطالبات مربوط به تسهیلات ارزی در حدود ۳/۶ میلیارد دلار بوده است. در واقع دارایی حساب ذخیره ارزی تا پایان برنامه سوم حدود ۱۳ میلیارد دلار بوده است. در نهایت، موجودی نسبتاً بالای این حساب و وضع مطلوب ذخایر خارجی، قدرت بازپرداخت بدهیهای خارجی کشور را افزایش داده است. با توجه به روند افزایش قیمت نفت در اوایل برنامه اقتصادی چهارم و افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، شرایط مطلوبی برای اقتصاد ایران پیش خواهد آمد به شرط آنکه استفاده از ذخایر ارزی کشور در بعد عمرانی هزینه شود.

به هر حال این واقعیت را باید پذیرفت که تلاشهای هر چند مفید و اساسی در سطح ملی، بدون امکان ورود به بازارهای جهانی نتیجه مطلوب را درپی نخواهد داشت. کلید ورود به این بازارها، آزادسازی تجاری در سطح منطقه‌ای و با همسایگان و رفع موانع سیاسی و غیرسیاسی عضویت کشورمان در سازمان تجارت جهانی است.

مسئله‌دیگردرمورد موانع داخلی پیوستن ایران به WTO نداشتن‌شناخت کافی دست‌اندرکاران بخشهای مختلف اقتصادی کشور از مقررات، اصول و قواعد این سازمان و ضعف در چانه‌زنی و مذاکره است. این واقعیت را می‌توان در مصاحبه‌های مسئولان اقتصادی و بازرگانی کشور مشاهده کرد. آنها اعتقاد دارند قدرت چانه‌زنی نداشتن در شرایط کنونی یکی از موانع اساسی پیوستن سریع کشورمان به سازمان تجارت جهانی محسوب می‌شود، در این زمینه باید با استفاده از تجارب دیگر کشورها و برگزاری همایش‌ها و دوره‌های آموزشی، نسبت به رفع مشکل و تربیت و کارآمد کردن مذاکره‌کنندگان تجاری اقدام کرد.

با توجه به شرایط بین‌المللی و مشکلات داخلی یاد شده، چشم انداز پیوستن جمهوری اسلامی ایران به WTO در کوتاه مدت چندان امیدوارکننده نیست. به دو دلیل مهم، دست کم در یکی دو سال آینده نمی‌توان انتظار تحول بزرگی را در این روند داشت مگر اینکه شرایط به گونه‌ای غیرقابل انتظار به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر کند. البته ارتباط جمهوری اسلامی با کشورهای اروپایی و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس و به تازگی کشور عراق از نظر روابط سیاسی و اقتصادی کمک زیادی به رابطه تجاری و اقتصادی ایران با دنیا خواهد کرد. متأسفانه سهم ایران از تجارت جهانی ۰/۴۵ درصد است.

تدوین برنامه چهارم توسعه در حالی آغاز شد که در برنامه سوم با هدف نهادسازی و تقویت بخش خصوصی، راهبرد توسعه صادرات به عنوان محور رویکرد غالب دنبال می‌شد و مورد انتظار بود که سیاستهای راهبردی تجاری در جایگاه سیاستهای کلان پولی و مالی و تولیدی قرار گیرد و در فرایند برنامه جهش صادراتی به عنوان یکی از رویکردهای مهم بخش بازرگانی در برنامه سوم و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

چهارم پیش‌بینی شود. سهم تجارت ایران[1] در تولید ناخالص داخلی از ۶۶ درصد تولید ناخالص داخلی در ۱۳۵۵ به ۳۷/۴ درصد و در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ۴۲/۱ درصد رسید. سهم ایران در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان ناچیز بوده است به طوری که طی سالهای (۱۹۹۵-۱۹۸۵) به طور خودکار سالیانه ۴۷ میلیون دلار از سرمایه‌گذاریهای پیشین، از کشور خارج شده و در سالهای (۲۰۰۰-۱۹۹۷) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور بین ۲۴ تا ۵۳ میلیون دلار در نوسان بوده است. اقتصاددانان معتقدند، غیررقابتی بودن فضای اقتصاد ایران، عضو نبودن در ترتیبات تجاری و بهره‌گیری نامناسب از ترتیبات منطقه‌ای، نبود هماهنگی قوانین، مقررات و سیاستهای اقتصادی کشور با تحولات جهانی، سهم غالب دولت در اقتصاد و انحصاری بودن برخی فعالیتها، پایین بودن بهره‌وری عوامل انسانی و سرمایه و نیز بالا بودن هزینه مبادلاتی در فعالیتهای اقتصادی از واقعیتهای موجود در کشور است.

جمهوری اسلامی ایران باید بتواند در راستای اهداف تجاری خود و پیوستن به سازمان تجارت جهانی گام جدی بردارد و شرایط متعادل و متناسبی به وجود آورد. هر اندازه در این امر تعلل شود، بخش مهمی از امتیازات و فرصتها از دست خواهد رفت و باید با شرایط سخت‌تری با مقررات گات مواجه شده و آن را اجرا کرد.

۵. پیوستن به سازمان تجارت جهانی

در مورد پیوستن به سازمان تجارت جهای ابتدا لازم است به مزایای پیوستن به این سازمان اشاره‌ای شده و سپس معایب و عوارض بعدی آن و آثار پیوستن به سازمان تجارت جهانی بر متغیرهای اقتصادی ملی مورد بررسی قرار گیرد.

---

۱. ارزش مبادلات تجاری ایران تا پایان سال ۲۰۰۵ به بیش از ۱۲۵ میلیارد دلار می رسد و انتظار می‌رود که این میزان در سال ۲۰۰۶ افزایش یابد. ارزش صادرات کالا و خدمات ایران در سال ۲۰۰۵ به علت قیمتهای بالای نفت خام به ۶۵/۹ میلیارد دلار خواهد رسید که ۱۸/۶ میلیارد دلار نسبت به سال ۲۰۰۴ رشد نشان خواهد داد. بر این اساس، کالاهای غیرنفتی همچنان کمتر از ۲۰ درصد صادرات ایران را تشکیل می‌دهند، اما انتظار می‌رود رشد صادرات کالاهای غیرنفتی از رشد صادرات نفت طی پنج سال آینده پیشی بگیرد. ارزش صادرات نفت ایران طی یک سال آینده با رشدی معادل ۷ تا ۱۲ درصدی مواجه می‌شود و در نتیجه ارزش صادرات کالا وخدمات ایران به ۶۷/۳ میلیارد دلار می‌رسد. همچنین، ارزش واردات کالا و خدمات ایران در پایان سال ۲۰۰۵ به ۵۹/۸ میلیارد دلار می‌رسد که نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار نسبت به رقم سال گذشته افزاش نشان می‌دهد. بر این اساس ارزش مبادلات تجاری ایران در سال ۲۰۰۵ به ۱۲۵/۷ میلیارد دلار خواهد رسید که نسبت به رقم ۹۱/۲ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۴ حدود ۳۴/۵ میلیارد دلار رشد نشان می‌دهد. ارزش مبادلات تجاری ایران در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ نیز به ترتیب ۷۵/۵ و ۷۲/۳ میلیارد دلار بوده است. پیش‌بینی می‌شود واردات کالا و خدمات ایران در سال ۲۰۰۶ به سطح ۶۲ میلیارد دلار برسد در نتیجه ارزش مبادلات تجاری ایران از ۱۲۹ میلیارد دلار نیز فراتر خواهد رفت. (وزارت بازرگانی (۱۳۸۴)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

۱-۵. مزایای پیوستن به سازمان تجارت جهانی

- بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند که حضور جمهوری اسلامی ایران در مجامع اقتصادی بین‌المللی برای دستیابی به اهداف راهبردی نظیر افزایش قدرت رقابت اقتصادی در صحنه تجارت جهانی ضرورت دارد کشور ما با دور بودن از سازمان تجارت جهانی، نه تنها از آثار حرکتهای مسلط جهانی برکنار نخواهد ماند، بلکه در عین حال قدرت خود را برای مانور، چانه‌زنی و اخذ امتیاز محدود خواهد کرد.
- با توجه به عضوی بیشتر کشور جهان در سازمان تجارت جهانی و استقبال کشورهای در حال توسعه از عضویت این مجمع، تحرکات اقتصادی کشورهایی که خارج از این چارچوب فعالیت می‌کنند، محدود و به انزوا کشانده خواهد شد[۱].
- امکان جذب سرمایه‌های خارجی به کشور و سرمایه‌گذاری مؤسسه‌ها و اشخاص حقیقی وحقوقی در ایران در صورت عضویت در سازمان تجارت جهانی وجود دارد، زیرا در چنین حالتی اعتماد و اطمینان لازم برای مؤسسه‌های سرمایه‌گذار خارجی ایجاد خواهد شد و ایران می تواند در این زمینه از امکانات انتقال از کشورهای پیشرفته صنعتی بهره‌مند شود و با جذب سرمایه‌های خارجی فرصت سرمایه‌گذاری در کشور افزایش یافته و موجب ایجاد اشتغال و درآمد مالیاتی بالقوه شود در نتیجه در افزایش درآمدهای مالی کشور مؤثر خواهد شد.
- دسترسی مستمر و مطمئن به بازارهای صادراتی، کمک به توسعه صادرات غیرنفتی و گسترش روابط بازرگانی بین کشورهای عضو، از دیگر مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی است.
- کاهش موانع تعرفه‌ای و تبدیل غیرتعرفه‌ها به تعرفه، امکان دسترسی به بازارهای صادراتی را برای کشور افزایش خواهد داد.
- این احتمال وجود دارد که با عضویت در سازمان تجارت جهانی قوانین و مقررات و ضوابط دست و پاگیر اداری کاهش یابد و مدیریت علمی با بهبود فن‌آوری تقویت شود.
- با توجه به سیاستهای کلان اقتصادی برنامه اول توسعه اقتصادی، برنامه دوم توسعه اقتصادی و نظر جدی به اهداف اقتصادی و افزایش توان تجاری کشور در برنامه پنج ساله سوم و چهارم توسعه اقتصادی، به نظر می‌رسد که در اصلاح ساختار تجارت خارجی، ایجاد بستری بلندمدت اجتناب‌ناپذیر است و این امر با عضویت در سازمان تجارت جهانی تسریع می‌شود.

---

۱. اکبر کمیجانی ، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، *تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی*، (۱۳۷۴)، صفحات ۵۴۴ و ۵۴۵.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

- پیوستن به سازمان تجارت جهانی فضایی رقابتی برای واحدهای تولیدی و خدماتی کشور به وجود خواهد آورد و آنان را مجبور می‌کند کارایی فرایند تولید و نظامهای خود را افزایش دهند. رقابت در بازار جهانی و ترس از رقیبان موجب تحرک بیشتر در صنعت خواهد شد و هرگونه سرمایه‌گذاری با مطالعه دقیق و فنی صورت خواهد گرفت.
- با توجه به نیازهای روزافزون ارزی کشور، اهمیت پرداختن جدی به سیاستهای بسترسازی اقتصادی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد و هرگونه برخورد انفعالی با این موضوع و اتخاذ شیوه‌های احساسی و غیراصولی در مورد مسئله الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی هزینه‌های سنگینی را به اقتصاد تحمیل خواهد کرد.
- با توجه به سیاستهای اقتصادی دولت در راستای نیل به قیمتهای واقعی و شفاف کردن بازار کالاها و امکان نداشتن ادامه وضع فعلی اقتصاد کشور در بلندمدت مبنی بر اعطای یارانه به‌ویژه یارانه حاملهای انرژی و سیاستهای حمایتی، عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌تواند این فرصت را به کشور بدهد که سیاستهای تعدیل، سریع‌تر به هدف برسد.

۲-۵. پیامدهای الحاق به سازمان تجارت جهانی

در مورد پیامدهای الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- به نظر می‌رسد پیوستن جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت با توجه به معیارهای قانونی موجود نیازمند بازنگری در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات حاکم بر بخشهای مختلف اقتصادی است. بازنگری در اصل ۴۳ قانون اساسی از طریق مجمع تشخیص نظام و تصریف و تفسیر دقیق‌تر آن جزو ضرورتهای سیاست اقتصادی نظام است.
- با توجه به ساختار صنعتی کشور در حال حاضر بیش از ۵ درصد از صنایع کشور نیازمند حمایتهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای هستند و به هیچ وجه به صلاح اقتصاد کشور نیست که صنایع نوپای کشور در عرصه پر التهاب رقابت بین‌المللی رها شود.[۱]

۱. ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران (۱۳۷۸)، سال دوم، شماره ۱۲. در مورد نگرانی از فروپاشی صنایع، پرداختهای زیاد از بابت حقوق مالکیت صنعتی و وارد شدن فشار سنگین بر بخش خدمات نیز اغراق شده است. دفاع از یک نرخ ارز غیرواقعی از طریق محدودیتهای وارداتی، با ارزان‌تر کردن واردات، صنایع را بیشتر در معرض فروپاشی و از دست رفتن مشاغل قرار می‌دهد. برآوردی از هزینه‌های حقوق مالکیت صنعتی در دست نداریم اما تعهدات می‌تواند در سطح پایینی باشد، خواه ناخواه استفاده از فن‌آوری‌های دانش فنی جدید و عضویت در سازمان جهانی مالکیت معنوی - ایران سابقه عضویت در کنفرانسیون پاریس را دارد - نیازمند پرداختهای مربوط از بابت حقوق مالکیت معنوی خواهد بود، چه عضو سازمان جهانی باشیم، چه نباشیم به‌علاوه اگر هدف، پی‌گیری راهبرد جذب سرمایه‌های خارجی است، بخشی از این هدف با حمایت از حقوق مالکیت معنوی به‌دست خواهد آمد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

- صنعت ایران یک صنعت جدید و نوپاست و معمولاً در صنایع نوپا اصل تقلید و کپی‌سازی از مصنوعات ساخته شده کشورهای پیشرفته ضروری و لازم به نظر می‌رسد. در حالی که با قبول مقررات WTO در بُعد حقوقی مالکیت معنوی می‌بایست هزینه‌های بسیار سنگینی را در ارتباط با حق تقلید و کپی‌سازی بپردازیم و در نتیجه هیچ‌گونه توازنی میان دریافت و پرداخت مشاهده نخواهد شد.[۲]
- با توجه به کاهش یارانه‌های محصولات کشاورزی، قیمت این محصولات به ویژه غلات، گندم، برنج و مانند آن از افزایش قابل توجهی برخوردار خواهد بود که زیان قابل ملاحظه‌ای را برای کشورهای واردکننده مواد غذایی به دنبال خواهد داشت.
- مشکلات فراوانی در روند واردات کشور و حذف تمام کنترلهای ارزی، واردات کشور را تهدید می‌کند. با توجه به کمبود منابع ارزی کشور، می‌توان ضربه مهلکی را به اقتصاد کشور وارد آورد.
- چنانچه پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی با کاهش تعرفه‌های گمرکی همراه باشد، درآمدهای مالیاتی دولت (غیرمستقیم) از ناحیه واردات و سایر منابع مرتبط با بازرگانی خارجی کاهش می‌یابد.
- رقابت خارجی در اموری مانند بانکداری، بیمه و حمل ونقل ما را مجبور خواهدکرد که نرخهای بهره و حق بیمه خود را رقابتی کنیم زیرا بازار انحصاری موجود در بخشهای بانکداری، بیمه و حمل ونقل، در صورت مستثنی نشدن از قوانین تجارت جهانی به‌صورت رقابتی نخواهد بود.
- به نظر می‌رسد که با عضویت در سازمان تجارت جهانی مجبور خواهیم شد که شناوری بیشتری به نرخ ارز بدهیم زیرا اگر قیمت ارز را به‌طور مصنوعی تثبیت کنیم به دلیل تفاوت نرخ تورم در داخل و خارج از کشور، کالاهای صادراتی و وارداتی به سرعت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و از آنجا که افزایش حمایتهای گمرکی در عمل ناممکن یا بسیار دشوار خواهد بود لزوم تغییر نرخ ارز مشهود خواهد بود.
- ضرورت تحول اقتصاد یارانه‌ای به اقتصاد بازاری در تمام فعالیتهای اقتصادی و حذف حمایتهای دولتی بیشترین فشار را بر گروههای کم درآمد و اقشار آسیب پذیر جامعه وارد خواهد کرد. در واقع، یکی از جنبه‌های کاهش حمایتهای داخلی که کمتر به آن پرداخته شده است،

---

۱. اکبر کمیجانی، وزارت اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، *تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی "WTO"*، (۱۳۷۴)، صفحه ۵۴۸.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

موضوع توزیع درآمد است. به عنوان یک قاعده کلی، کاهش یا قطع حمایت از یک بخش موجب کاهش درآمد واقعی عوامل اصلی تولید در آن بخش خواهد شد.

- عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، در حالی که مسئله بازسازی اقتصاد کشور بر اساس اهداف برنامه‌های تدوین شده باشد، مطرح است مانند طرح ساماندهی اقتصاد کشور که ریاست محترم جمهوری در سال ۱۳۷۶ و برنامه سوم توسعه اقتصادی آن را مطرح کردند می‌تواند موجب دور شدن سیاستهای وارداتی کشور از اهداف پیش‌بینی شده باشد به ویژه آنکه انتظار می‌رود تحولی اساسی در الگوی مصرف با گرایش به مصرف کالاهای خارجی ایجاد شود. از این طریق به کالاهای تولیدی داخل ضربه شدیدی وارد شده و بسیاری از تولید کنندگان داخلی را دچار بحران می‌کند.

ذکر این نکته بسیار با اهمیت است که در دنیای کنونی تجارت و تولید، رقابت بسیار شدیدی وجود دارد و باید تولیدکنندگان داخلی در مورد کیفیت تولید و استانداردها نهایت دقت خود را به‌کار گیرند، در غیر این صورت چه کشور به سازمان تجارت جهانی بپیوندد و چه الحاق نشود، در آینده اقتصاد کشور در مورد تولیدات داخلی دچار بحران خواهد شد. ایران کشوری است با موقعیت بسیار ویژه در منطقه، از شمال جزو پنج همسایه‌ای است که دریای خزر را محاصره کرده و به جز منابع نفتی خلیج فارس، آسان‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر را از آن طریق به آسیای میانه دارد. همچنین ایران اقتصادی‌ترین مسیر برای انتقال نفت و گاز از دریای خزر به اروپا و آمریکاست. در حالی که انتقال نفت خام جمهوری آذربایجان به بازارهای اروپا معادل ۳ میلیارد دلار هزینه دارد، از مسیر ایران این هزینه به یک میلیارد دلار هم نمی‌رسد.

موقعیت ایران با توجه به خلیج فارس و دریای عمان، به‌جز ذخایر عظیم نفتی در این منطقه موجب قرار گرفتن ایران در یک موقعیت سوق الجیشی نسبت به کشورهای عربی شده است. اگر این موقعیت را در چارچوبی که بیش از ۹۹ درصد همسایگان ایران وارد سازمان جهانی تجارت شده‌اند و به نوعی هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی را قبول کرده‌اند تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم که چرا ایران پیش از آنکه به‌طور رسمی در هم پیوندی با اقتصاد جهان قرار گیرد، زمینه ورود خود را آماده می‌کند.

۶. روند حرکت به سوی اقتصاد جهانی

الف- گام اول

تا پیش از شروع برنامه سوم توسعه، یکی از مهم‌ترین موانع ورود اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی، موانع غیرتعرفه‌ای واردات کالا از کشورهای دیگر بود. به این معنی که واردات کالا به طور رسمی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

ممنوع نبود، اما آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری به‌گونه‌ای بود که در عمل کالایی وارد نمی‌شد. نمونه بارز این موانع غیرتعرفه‌ای را می‌توان اکنون در واردات خودرو دید. بر اساس قانون، واردات خودرو به کشور ممنوع نبوده است، اما هر وارد کننده‌ای می‌بایست در چارچوب قانون، برای واردات خودرو، اقدام به ثبت سفارش کند اما وزارت بازرگانی از ثبت سفارش واردات خودرو خودداری می‌کرد.

دولت از برنامه سوم به بعد و بر اساس برنامه چهارم، موانع غیرتعرفه‌ای واردات کالا را برداشت و به‌جای آن موانع تعرفه‌ای را انتخاب کرد. به این ترتیب در چارچوب قانون برنامه سوم، توسعه واردات کالا به جز چند قلم که تحت چارچوب قانون و شرع ممنوع شده است، آزاد اعلام شد و برای کنترل واردات آن، چه از نظر حجم و چه از نظر ارزش بر آن تعرفه‌های بالا اعلام شد. در اصل این اولین گام ایران برای ورود به اقتصاد جهانی بود. با برداشتن این گام، ورود کالاهای خارجی به ایران که گاهی بخشی از آن به خاطر موانع غیرتعرفه‌ای در قالب قاچاق کالا وارد می‌شد، آزاد اعلام شد. تعرفه بالا همچنان سبب ورود بعضی از کالاها به صورت قاچاق به کشور است، اما مهم اجماع مسئولان مبنی بر حذف موانع غیرتعرفه‌ای واردات کالا بود.

ب- گام دوم

سیاست حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به موانع تعرفه‌ای موجب شد تولیدکنندگان ایرانی، اعم از دولتی و خصوصی، به فکر تولیدات رقابتی با محوریت صادرات بیفتند. از این گرایش فکری باید به عنوان دومین گام ایران در آماده‌سازی اقتصاد ایران برای ورود به اقتصاد جهانی یاد کرد.

در اوایل پیروزی انقلاب، تفکر حاکم بر بازرگانی ایران، سنتی بود. بر اساس این نگرش اقتصاد ایران به سمت تولید کالا بر محوریت جایگزینی واردات سوق داده شد. بنابراین تمامی چرخهای اقتصاد ایران در راستای خودکفایی به حرکت درآمد و منابع ارزی و ریالی در اختیار این تفکر قرار گرفت. همه چیز از سوزن چرخ خیاطی گرفته تا ماشین‌آلات سنگین باید در ایران تولید می‌شد. نهضت خودکفایی به مدت هشت سال در همه بخشهای اقتصادی راه افتاد و منابع گسترده‌ای را بلعید، بدون اینکه ایران بتواند نه در همه سطوح بلکه در حد نیاز خود نیز خودکفا شود.

طرز تفکر خودکفایی و سیاست جایگزینی واردات، فرصتهای بسیاری را از اقتصاد ایران گرفت. تولیداتی با طراحی نه چندان زیبا، با قیمتهای بالا سراسر کشور را فرا گرفت. پس از پایان جنگ، زمانی که کمی دروازه‌های کشور بر روی واردات کالاها باز شد، تولیدکنندگان با فضای دیگری مواجه شدند. فضایی که رقبای آنها با تولیداتی با کیفیت برتر و قیمتی کمتر، کالاهای خود

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

را عرضه می‌کردند. بنابراین مجبور به تغییر فضای تولید خود شدند، زیرا ادامه آن فضا چیزی جز تخریب تولیدات خود و هدر دادن منابع نبود. بنابراین محور سیاست تولید تغییر کرد و به جای جایگزینی واردات، تولید با محوریت صادرات قرار گرفت.

تغییر فضا و تعویض سیاست تولید، در واقع جزو محورهای سیاستگذاری اقتصادی - سیاسی کشور بود. این تغییر سیاست در اصل، کشور ما را در فضایی همسو با اقتصاد جهانی قرار داد. با آنکه هنوز بیشتر کالاهای تولیدی داخل نتوانسته در رقابت با کالاهای خارجی قرار گیرد، اما مهم بنیانگذاری این اندیشه بود که کشور ما باید کالاهای قابل صادرات تولید کند و اعتقاد به اینکه می‌توانیم اقتصاد کشور را وارد اقتصاد جهانی کنیم.

ج- گام سوم

سیاست دیگری که مسئولان ایرانی با اتخاذ آن، اقتصاد کشور را در همسویی با اقتصاد جهانی قرار داده‌اند، تولیدات سرمایه‌بَر به جای تولیدات کاربَر است. تا پیش از اتخاذ این سیاست کشور ما به اینکه نیروهای کار ارزان در اختیار دارد افتخار می‌کرد. بنابراین با استفاده از این اهرم به دنبال جذب کارآفرینان برای تولید بود بدون آنکه به فکر سرمایه باشد. جذب سرمایه نیازمند فراهم کردن شرایط و بسترهایی بود که در آن زمان نه امکان آن فراهم بود و نه مسئولان به آن اعتقاد داشتند.

اعتقاد به تولید بر اساس کاربری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی توجیه و کاربرد داشت چراکه پیشرفت فن‌آوری بسیار سریع بود و مهم‌تر از آن مصرف انرژی تا این حد مهم نبود که کشورها را درگیر جنبه‌های دیگری از تولید کند. علاوه بر آنکه در آن دوران ۶۵ درصد هزینه تولید کالا را هزینه کارگر و ۳۵ درصد دیگر را سرمایه تأمین می‌کرد. بنابراین تولیدکنندگان برای تولید به سمت کشورهایی می‌رفتند که نیروی کار ارزان در اختیار داشته باشد. به همین خاطر در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی کشورهای آسیای جنوب شرقی برای سرمایه‌گذاری توجیه اقتصادی و کاربری داشت. اما اکنون وضع به گونه دیگری است. پیشرفت فن‌آوری برای تولید کالا به گونه‌ای شده است که نیروی کار کمتر و سرمایه بیشتری برای تولید نیاز است.

در حال حاضر نسبت ۶۵ به ۳۵ درصد در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی معکوس شده است به طوری که ۶۵ درصد ارزش تولید یک کالا، سرمایه و ۳۵ درصد کارگر است. بنابراین در حال حاضر کشورها به دنبال جذب سرمایه‌گذاری هستند تا کارآفرینی، زیرا اکنون کارآفرینی با سرمایه‌گذاری عجین شده و بدون هم معنی ندارند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

به همین خاطر برای جهانیان یک شاخص مهم در هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی[1] است. هر اندازه میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشوری بالا باشد، آن کشور به همان نسبت مورد قبول اقتصاد جهانی است.

با توجه به این موضوع در اوایل سال ۱۳۷۶ سیاستگذاران اقتصادی ایران جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را مدنظر قرار دادند و برای دستیابی به این هدف، قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری را اصلاح کردند. اما مهم تر از این اصلاح، فراهم کردن بستر جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود چراکه یک قانون کلی و جامع بر سرمایه حاکم است و آن امنیت اقتصادی است. به عبارت دیگر سرمایه به جایی می‌رود که امنیت حاکم باشد.

فراهم کردن فضای امنیت اقتصادی و کاهش تنش‌های بیرونی برای جذب سرمایه از اهدافی بود که ایران در هشت سال گذشته نسبت به آن اقدام کرد، اقدامی که در راستای اقتصاد جهان و همسو با آن بود. سه گامی که سیاستگذاران کشور خودآگاه یا ناخودآگاه برای رونق اقتصاد برداشته‌اند، سه گام بلند و مهمی است که اقتصاد را در مسیر جهانی شدن قرار داده است. این سه گام هر چند لازم و ضروری بوده، کافی نیست و باید گامهای دیگری هم برداشته شود. این گامها بیش از آنکه اقتصادی باشد، سیاسی هستند و در این زمینه باید سیاستگذاران همت به خرج دهند. همتی که عزم بیشتری را می طلبد. باید گفت که مشکل بیرونی اقتصاد ایران تا حد زیادی حل شده و مشکلات بزرگ دیگری که اکنون بر سر راه اقتصاد ایران مانده، سیاسی است، نه اقتصادی. مسئله انرژی هسته‌ای یکی از موارد مهم در سیاستهای کشورهای غربی و اتحادیه اروپا نسبت به اقتصاد ایران است که باید توجه بیشتری به آن شود.

۷. نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن اقتصاد به نفع کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای پیشرفته است زیرا این کشورها تولیدکننده کالاهای صنعتی هستند در حالی که کشورهای دیگر به ویژه کشورهای در حال توسعه، تولیدکننده مواد غذایی هستند. بنابراین کشورهای در حال توسعه با توجه به ساختار تولیدی خود توان بالایی برای جهانی شدن اقتصاد ندارند و نمی‌توانند در بازارهای جهانی با توجه به دنیای کنونی رقابت پایداری کنند. در واقع جهانی شدن اقتصاد به نفع کشورهای در حال توسعه نیست و کشور ما هم با توجه به وضع صنایع و تولیدات خود به نظر می‌رسد که از جهانی شدن اقتصاد

1. Foreign Direct Investment

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

و پیوستن به قدرت‌های اقتصادی آسیب خواهد دید و احتمال می‌رود که صنایع فعلی کشور دچار بحران شده و وضع کنونی بحرانی‌تر شود و صنایع داخلی به شدت آسیب ببینند.

پرونده پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی در سال ۱۳۸۴ مطرح و ایران به عنوان ناظر مورد قبول واقع شد. لازم به ذکر است که در این مقطع که تجارت یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی و ثبات و توسعه پایدار است باید برای رشد و شکوفایی اقتصاد کشور، مسئله پیوستن به تجارت جهانی را جدی گرفت تا بتوانیم بر اساس اهداف مهم اقتصاد کلان، کشور را به سوی رقابت استاندارد در تولید و دستیابی به جایگاه ویژه‌ای در بازارهای جهانی سوق دهیم. برای تحقق یافتن این امر، پیوستن به سازمان تجارت جهانی ضروری است البته این احتمال وجود دارد که در کوتاه‌مدت به علت ناتوانی برای صنایع داخلی مشکلاتی به وجود آید ولی آنچه مهم است، اهداف درازمدت است که مسئولان با برنامه‌ریزی دقیق می‌توانند مشکلات را کاهش دهند یا از بین ببرند. آنچه در حال حاضر مهم است پذیرش جمهوری اسلامی ایران در این سازمان تجاری است زیرا این امر، دنیای جدیدی در امر تولید را در کشور به وجود خواهد آورد و اقتصاد کشور را وارد عرصه جدیدی در کسب دانش و فن‌آوری خواهد کرد.

جدول شماره ۲. شاخص جهانی شدن بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۳)

شاخص جهانی شدن سال ۲۰۰۱		شاخص جهانی شدن سال ۲۰۰۲		شاخص جهانی شدن سال ۲۰۰۳	
سنگاپور	۱	ایرلند	۱	ای‌رلند	۱

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

هلند	۲	سوئیس	۲	سوئیس	۲
سوئد	۳	سنگاپور	۳	سوئد	۳
سوئیس	۴	هلند	۴	سنگاپور	۴
فنلاند	۵	سوئد	۵	هلند	۵
ایرلند	۶	فنلاند	۶	دانمارک	۶
اتریش	۷	کانادا	۷	کانادا	۷
انگلستان	۸	دانمارک	۸	اتریش	۸
نروژ	۹	اتریش	۹	انگلستان	۹
کانادا	۱۰	انگلستان	۱۰	فنلاند	۱۰
دانمارک	۱۱	نروژ	۱۱	آمریکا	۱۱
آمریکا	۱۲	آمریکا	۱۲	فرانسه	۱۲
ایتالیا	۱۳	فرانسه	۱۳	نروژ	۱۳
آلمان	۱۴	آلمان	۱۴	پرتغال	۱۴
پرتغال	۱۵	پرتغال	۱۵	جمهوری چک	۱۵
فرانسه	۱۶	جمهوری چک	۱۶	زلاندنو	۱۶
مجارستان	۱۷	اسپانیا	۱۷	آلمان	۱۷
اسپانیا	۱۸	اسرائیل	۱۸	مالزی	۱۸
اسرائیل	۱۹	زلاندنو	۱۹	اسرائیل	۱۹
مالزی	۲۰	مالزی	۲۰	اسپانیا	۲۰
زلاندنو	۲۱	استرالیا	۲۱	استرالیا	۲۱
جمهوری چک	۲۲	جمهوری اسلواکی	۲۲	کروات	۲۲
استرالیا	۲۳	مجارستان	۲۳	مجارستان	۲۳
یونان	۲۴	ایتالیا	۲۴	ایتالیا	۲۴
لهستان	۲۵	کروات	۲۵	اسلوانی	۲۵
شیلی	۲۶	یونان	۲۶	یونان	۲۶
آفریقای جنوبی	۲۷	لهستان	۲۷	جمهوری اسلواکی	۲۷
تونس	۲۸	پاناما	۲۸	جمهوری کره	۲۸
ژاپن	۲۹	بوتسوانا	۲۹	مراکش	۲۹
تایلند	۳۰	اسلوانی	۳۰	پاناما	۳۰
جمهوری کره	۳۱	جمهوری کره	۳۱	شیلی	۳۱
سری‌لانکا	۳۲	تایوان	۳۲	لهستان	۳۲
شاخص جهانی شدن سال ۲۰۰۱		شاخص جهانی شدن سال ۲۰۰۲		شاخص جهانی شدن سال ۲۰۰۳	
اوکراین	۳۳	نیجریه	۳۳	بوتسوانا	۳۳
فیلیپین	۳۴	شیلی	۳۴	تایوان	۳۴
ونزوئلا	۳۵	اوگاندا	۳۵	ژاپن	۳۵

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

مصر	۳۶	تونس	۳۶	اوگاندا	۳۶
ترکیه	۳۷	عربستان صعودی	۳۷	نیجریه	۳۷
اندونزی	۳۸	ژاپن	۳۸	آفریقای جنوبی	۳۸
آرژانتین	۳۹	روسی‌ه	۳۹	تونس	۳۹
نیجریه	۴۰	سنگال	۴۰	رومانی	۴۰
مکزیک	۴۱	رومانی	۴۱	سنگال	۴۱
مراکش	۴۲	اوکرای‌ن	۴۲	اوکراین	۴۲
پرو	۴۳	سری‌لانکا	۴۳	کنیا	۴۳
برزیل	۴۴	آرژانتی‌ن	۴۴	سری‌لانکا	۴۴
روسیه	۴۵	مصر	۴۵	روسیه	۴۵
کلمبیا	۴۶	مراکش	۴۶	مصر	۴۶
کنیا	۴۷	کنی‌ا	۴۷	تایلند	۴۷
شیلی	۴۸	بنگلادش	۴۸	آرژانتین	۴۸
هند	۴۹	هند	۴۹	مکزیک	۴۹
ایران	۵۰	مکزی‌ک	۵۰	پاکستان	۵۰
		تای‌لند	۵۱	چین	۵۱
		فی‌لی‌پی‌ن	۵۲	فیلیپین	۵۲
		چی‌ن	۵۳	ترکیه	۵۳
		آفری‌قای جنوبی	۵۴	بنگلادش	۵۴
		ترکی‌ه	۵۵	کلمبیا	۵۵
		پاکستان	۵۶	هند	۵۶
		ونزوئلا	۵۷	برزیل	۵۷
		برزی‌ل	۵۸	اندونزی	۵۸
		اندونزی	۵۹	پرو	۵۹
		کلمبی‌ا	۶۰	ونزوئلا	۶۰
		پرو	۶۰	عربستان سعودی	۶۰
		ای‌ران	۶۲	ای‌ران	۶۲

منبع: گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۰۳.

منابع

الف) فارسی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]

امینی، امیر هوشنگ (۱۳۷۳)، "آزادسازی مبادلات بازرگانی بین‌المللی (گات – آنکتاد)"، *هفته نامه اتاق بازرگانی*، شماره ۴.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲)، "دوراورگوئه گات و تحولات آن"، اداره مطالعات و سازمان‌های بین‌المللی، بهمن.

کمیجانی، اکبر (۱۳۷۴)، *تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی WTO"*، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، صفحه ۵۴۸.

گلریز، حسن (۱۳۸۳)، *جهانی سازی و مسائل آن*، چاپ دوم، نشر نی، تهران.

مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (۱۳۷۳)، "گات و مسائل اقتصادی بین‌الملل".

هفته‌نامه اتاق بازرگانی (۱۳۷۳)، "گات (موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت)"، شماره ۴.

وزارت بازرگانی، حوزهٔ معاونت بازرگانی خارجی (۱۳۷۳)، "خلاصه سند نهایی مذاکرات دوراروگوئه"، دسامبر ۱۹۹۳.

وزارت بازرگانی، حوزهٔ معاونت بازرگانی خارجی(۱۳۷۳)، "دوراروگوئه: بررسی اولیه (بخشی از گزارش تجارت و توسعه انکتاد ۱۹۹۴)"، مهرماه.

وزارت بازرگانی، دفاتر بازرگانی خارج از کشور (۱۳۶۹)، "گزارش اقتصادی گات"، اسفند ماه.

وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۷۳)، "گات ۱۹۹۴- موافقت‌نامه راجع به بخش‌های مختلف مندرج در سند نهایی دور اروگونه"، وزارت بازرگانی، آبان.

ب) انگلیسی

Dobson, John M. (1976), "Two Centuries of Tariffs, Background and Emergence of the USA International Trade Commission", December.

Evans, W. John (1971), *The Kennedy Round in American Trade Policy, The Twilight of the Gatt*, Chapter One.

GATT Center (1994), "The Final Act of the Uruguay Round", Geneva, April.

Golt, Sidney (1988), "The GATT Negotiations, 1986-1990, Origins, Issues and Prospect", British North American Committee, November.

International Monetary Fund (2003), "Conclusion of the Uruguay Round Agreed Final Act", March.

Kenneth, W. Dam (1970), *The GATT, Law and International Economic Organization*, the University of Chicago.

Porter, Tony (2005), "Globalization and Finance", Cambridge, Polity Publication.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-03]